(مقالۀ پژوهشی)

ارزیابی اخلاق حرفه‌ای تدریس اعضای هیئت علمی

مهدی حیدری، محمود ابوالقاسمی، رضا محمدی چابکی*

گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی

(تاریخ دریافت: 95/8/15، تاریخ پذیرش: 95/10/28)

چکیده

زمینه: اعضای هیات علمی دانشگاه‌ها به عنوان افرادی که مسئول تعلیم و تربیت دانشجویان هستند، باید نسبت به اخلاق حرفه‌ای تدریس آگاهی داشته و با پایبندی به آن، سلامت فرایند یاددهی - یادگیری را تضمین‌نمایند. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس اعضای هیأت علمی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی انجام شده است

روش: پژوهش حاضر از نوع پس رویدادی و جامعه آماری آن کلیه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی (بالغ بر 13815 نفر) بود که از این جامعه آماری، 380 دانشجو با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای تصادفی به عنوان نمونه انتخاب شده بودند. ابزار پژوهش، پرسش‌نامه محقق‌ساخته مشتمل بر 6 مؤلفه و 32 گویه بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها به کمک آمار توصیفی و t تک نمونه‌ای، آزمون فریدمن و تحلیل واریانس با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها: دانشجویان مؤلفه‌های آراستگی متناسب با شان علم و دانش، رعایت عدالت در مورد دانشجویان، احترام و تکریم دانشجویان، تسلط بر موضوع و محتوا، تسلط بر روش تدریس و ارزشیابی تدریس اعضای هیئت علمی را در حدّ بالاتر از متوسط ارزیابی نمودند. همچنین بین دیدگاه دانشجویان دانشکده‌ها درباره مؤلفه‌های آراستگی ظاهری متناسب با شأن علم و دانش، رعایت عدالت در مورد دانشجویان، احترام و تکریم دانشجویان و تسلط علمی بر موضوع و محتوا و نمره کل اخلاق حرفه‌ای تفاوت معنادار ملاحظه شد.

نتیجه‌گیری: هر چند وضعیت اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی بالاتر از متوسط ارزیابی می‌شود ولی هنوز فاصله زیادی (به‌طور خاص، در دو مؤلفه آخر یعنی تسلط بر روش تدریس و ارزشیابی تدریس) با وضعیت مطلوب دارد.

کلیدواژگان: اخلاق حرفه‌ای، اخلاق تدریس، اعضای هیأت علمی

سرآغاز

در آغاز قرن بیست‌و یکم میلادی، با توجه به تحولات عمیق و شگفتی که ناشی از هفت مؤلفه قدرت، سرعت، ثروت، فرصت، ارتباطات، اطلاعات و فضای مجازی است، توجه به ارزش‌ها و به طور خاص ارزش‌های اخلاقی در کسب و کار و تعاملات انسانی و سازمانی بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود (1). اخلاق حرفه‌ای1 یکی از شاخه‌ها و ابعاد جدید علم اخلاق است که با فراهم‌سازی بسترهایی مناسب در صدد است به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ مناسب و دقیق بدهد(2). منظور از اخلاق حرفه‌ای مجموعه قواعد و اصولی است که افراد باید به صورت خودجوش و بر اساس وجدان و فطرت خویش در انجام کار حرفه‌ای بدان ملزم باشند، بدون آنکه اجبار و فشار خارجی وجود داشته باشد یا در صورت تخلف به مجازات‌های قانونی دچار شوند(3). در تعریفی جامع‌تر نیز گفته شده که اخلاق حرفه‌ای مجموعه‌ای از اصول و استانداردهای سلوک بشری است که رفتار افراد و گروه‌ها را تعیین می‌کند. در واقع، اخلاق حرفه‌ای فرآیند تفکر عقلانی است که هدف آن تعیین ارزش‌های سازمان می‌باشد. حرفه‌های گوناگون بر حسب میزان حساسیت و وظیفه‌ای که در خدمت به جامعه دارند معیارهای اخلاقی متفاوتی دارند. آشنایی با این معیارهای اخلاقی و پای‌بندی به آنها در تعالی اخلاقی و حرفه‌ای افراد شاغل در

* نویسنده مسؤول: نشانی الکترونیکی: r_mohammadi @ sbu.ac.ir

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.8.7]

یک نهاد و به تبع آن ارتقاء جایگاه اجتماعی آن نهاد یا سازمان در جامعه و تأثیرگذاری آن بر افراد کمک می‌نماید(4). یکی از مهم‌ترین متغیرهای موفقیت سازمان، اخلاق حرفه‌ای است. رعایت اصول اخلاقی[2] و التزام به هنجارهای اجتماعی[3] در سازمان‌ها یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت سازمانی است(5). بر این اساس، رعایت اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه به عنوان یک سازمان علمی توسط افرادی که متصدی رشد و پرورش اخلاق جامعه هستند بسیار اهمیت دارد. لذا، ارزیابی میزان اهتمام اعضای هیئت علمی دانشگاه به رعایت اخلاق تدریس به عنوان گامی مهم جهت ارتقای شایستگی‌های حرفه‌ای[4] ایشان تلقی می‌شود.

امروزه فرهنگ دانشگاهی، انسان دانشگاهی و زندگی دانشگاهی مهم‌ترین عناصر زمینه‌ای برای ارزشیابی آموزش عالی هستند. در این سبک از زندگی، اخلاقیات و منش خاص حرفه‌ای و هنجارهای درونی شده علمی، یاران را به تعهد مشترک نسبت به کیفیت سوق می‌دهد و کنش‌های ارتباطی و تعاملاتی را برقرار می‌سازد که از رهگذر آن، ارزشیابی کیفیت به صورت غیررسمی صورت می‌پذیرد. آموزش عالی دنیایی پویا، پیچیده، ناآرام و انتقادی دارد و بازی آشوبناکی است و قواعد خاص خود را در ارزشیابی و سازوکارهای انگیزشی لازم برای آن طلب می‌کند. عملکردهای نوپدید در دانشگاه، با تولید معانی تازه برای کیفیت افق گشایی می‌کند(6). اعضای هیئت علمی در تمام نظام‌های آموزش عالی نقشی کلیدی و اثرگذار دارند و انتظار جامعه از نظام آموزش عالی و اعضای هیئت علمی این است که جوانان را برای زندگی آینده و تمام اهداف و رسالت‌هایی که برای دانشگاه دیده شده است تربیت‌کنند. در این راستا، یکی از عوامل تأثیرگذار بر کیفیت آموزش عالی، اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی می‌باشد و شناسایی ابعاد آن اولین گام محسوب می‌شود.

به‌طورکلی، به مجموعه ملاحظات اخلاقی که معلم باید به آنها توجه داشته و تدریس خود را در قالب آنها تنظیم کند، اخلاق تدریس[5] گفته می‌شود. توجه به اخلاق تدریس در دهه‌های اخیر افزون‌تر شده است. برخی صاحب‌نظران، تدریس را به عنوان حرفه‌ای مطرح کرده‌اند که ماهیتی اخلاقی دارد، به صورتی که اخلاق در همه اجزای آن جاری است(7). برخی نیز از منظر اخلاقی به فعالیت‌های آکادمیک[6] اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها پرداخته و فلسفه تدریس[7] را مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند(8 و 9) امروزه، پرداختن به اصول اخلاق تدریس بسیار رواج یافته و معلمان و مربیان هنگام ورود به مؤسسه یا محیط آموزشی باید از محتوای آنها آگاه شوند و در طول انجام خدمت آنها را به کار گیرند.

آموزش عالی همچون نظامی حرفه‌ای، مجموعه‌ای از رفتارهای انسانی عاملانی را پوشش می‌دهد و فعالیت عاملان در منافع یا مضارّ دیگران و همچنین در رشد یا زوال شخصیت خود آنان تأثیر می‌گذارد. بنابراین، این فعالیت‌ها می‌تواند به لحاظ اخلاقی مورد بحث قرار بگیرد(10). برای مثال، یک نوع تدریس می‌تواند موجبات یادگیری مطلوب دانشجویان را متناسب با تحولات علمی و تقاضای جامعه فراهم بیاورد یا نیاورد؛ یا یک فعالیت تحقیقاتی یا فناورانه می‌تواند با محیط زیست، ایمنی، حریم خصوصی دیگران و منافع متعارض اجتماعی ارتباط پیدا بکند و محل پرسش‌ها و تأملات اخلاقی واقع بشود. از این رو، اخلاق علمی در آموزش عالی موضوعیت می‌یابد و به مباحث اخلاقی مربوط به تولید و انتقال و مبادله دانش می‌پردازد(11). از سوی دیگر، بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند که رعایت اخلاق حرفه‌ای توسط اعضای هیئت علمی و رفتار آنان در بهبود اخلاقی دانشجویان و بهبود جوّ اخلاقی[8] کل محیط دانشگاه مؤثر است(12). بر این اساس، برخورداری دانشگاه از اعضای هیئت علمی که هم از لحاظ علمی در سطح مطلوب باشند و هم از نظر اخلاقی توانایی ارائه الگوهای رفتاری علمی- فرهنگی را برای دانشجویان داشته باشند، بسیار حائز اهمیت است. جذب دانشجوی توانمند از نظر علمی و فرهنگی مهم است، ولی نگهداری پویای آنها، به وجود مربیان آگاه و توانمند نیاز دارد(13).

برخی فعالیت‌های سالهای اخیر که با عنوان اخلاق در کار و اخلاق حرفه‌ای انجام گرفته، گام‌هایی نخستین جهت ترویج اخلاق حرفه‌ای در کشورمان بوده و به نتایج قابل قبولی دست

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.8.7]

یافته است. به عنوان مثال می‌توان به گسترش فعالیت‌های انجمن ایرانی اخلاق در علوم و فناوری، تأسیس گروه پژوهش «اخلاق حرفه‌ای» در دانشگاه تهران، برگزاری همایش اخلاق کسب و کار در بهمن 1385، و نگارش کتاب‌ها و تحقیقات در این زمینه اشاره کرد(11). البته شناخت وضعیت فعلی و وضعیت مطلوب ما در اخلاق حرفه‌ای لازمه رشد اخلاقی در حرفه‌هاست. خودشناسی و عطف توجه به عیوب خویش، فرد و سازمان را برای اصلاح و تعالی بر می‌انگیزاند و این شرط توسعه است(5). در این میان، پژوهش‌هایی در زمینه اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی انجام شده است. به‌عنوان نمونه، برخی پژوهشگران بین همه ابعاد اخلاق حرفه‌ای استادان به جز ابعاد روابط انسانی و سازمانی تفاوت معناداری یافته‌اند. در این پژوهش، بین نظر دانشجویان پسر و دختر و نیز بین نظر دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و علوم پایه در مورد ابعاد پنج‌گانه اخلاق حرفه‌ای استادان تفاوت معناداری وجود نداشته است(12). همچنین برخی دیگر نیز نشان داده‌اند که وضعیت اخلاق حرفه‌ای تدریس و مؤلفه‌های آن در اساتید از دیدگاه دانشجویان به‌نسبت مطلوب بوده است. یافته‌های پژوهش مذکور حاکی از آن است که دانشجویان همه ابعاد اخلاق حرفه‌ای تدریس اعضای هیأت علمی را که شامل ویژگی‌های شخصیتی، اشراف بر محتوا، تسلط بر روش‌های تدریس، شناخت وجوه مختلف یادگیرنده، ارزشیابی استاندارد و رعایت قوانین آموزشی بالاتر از متوسط ارزیابی نموده‌اند(17).

با توجه به این توضیحات، هدف اصلی پژوهش حاضر، ارزیابی میزان پای‌بندی به اخلاق حرفه‌ای تدریس توسط اعضای هیئت علمی از دیدگاه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی بوده است. این ارزیابی از منظر دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی، علوم پایه، فنی مهندسی صورت گرفته است.

روش

پژوهش حاضر توصیفی- پیمایشی و از نوع پژوهش‌های پس رویدادی بوده است؛ توصیفی از آن جهت که به گزارش وضع موجود می‌پردازد و پیمایشی بدین جهت که روش گردآوری داده‌ها به صورت پرسشنامه محقق ساخته می‌باشد و نظرات دانشجویان در زمینه مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای، در قالب پرسشنامه گردآوری شده است.

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی (در سال تحصیلی 95-1394) بود که با توجه به آمار تحصیلات تکمیلی دانشگاه مذکور بالغ بر 13815 نفر بوده است. تعداد نمونه تحقیق، شامل 380 نفر از کل دانشجویان انتخاب شده است. تعداد نمونه مورد نظر با استفاده از جدول نمونه‌گیری مورگان و با روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبی به‌دست آمد. دانشجویان شرکت‌کننده در پاسخ دهی به پرسشنامه‌ها، به تفکیک موضوعیت رشته‌ها و با ملاک قرار دادن آمار تحصیلات تکمیلی دانشگاه به سه گروه دانشکده علوم انسانی، دانشکده‌های فنی مهندسی، و دانشکده‌های علوم پایه تقسیم شدند.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود. برای اطمینان از روایی صوری و محتوایی این پرسشنامه از نظرات اساتید گروه علوم تربیتی استفاده شد. سنجش پایایی آن نیز به‌وسیله آلفای کرونباخ انجام شد که عدد 0/93 برای کل پرسشنامه به‌دست آمد. برای استخراج مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی از منابع داخلی و خارجی استفاده شده است(14 و 15 و 16 و 17). در جدول 1 به مؤلفه‌های مستخرج از منابع (و ضریب آلفای کرونباخ هر مؤلفه) اشاره شده است. شیوه تجزیه و تحلیل داده آمار توصیفی و آمار استنباطی تی تک‌گروهی، تی مستقل، آزمون رتبه‌بندی فریدمن و تحلیل واریانس چندمتغیره بود.

جدول 1: مؤلفه‌های مستخرج از منابع

ردیف	مؤلفه‌های استخراج شده	شماره گویه‌ها	ضریب آلفای کرونباخ
1	آراستگی[9] ظاهری متناسب با شأن علم	1-2-3-4-5	0/938
2	رعایت عدالت[10] در مورد دانشجویان	6-7-8-9-10	0/936

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.8.7]

3	احترام[11] و تکریم[12] دانشجویان	11-12-13-14-15	0/936
4	تسلط علمی[13] بر موضوع و محتوا	16-17-18-19-20	0/937
5	تسلط بر روش تدریس[14]	21-22-23-24-25-26	0/936
6	ارزشیابی تدریس[15]	27-28-29-30-31-32	0/936

یافته‌ها

سؤال اصلی پژوهش عبارت بود از: دیدگاه دانشجویان در خصوص میزان پایبندی اعضای هیأت علمی به مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس چگونه است؟ یافته‌های پژوهش با نظر به دو سؤال فرعی به دست آمد.

سؤال اول: میزان پایبندی به اخلاق حرفه‌ای تدریس در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی چگونه است؟

در ابتدا، یافته‌های پژوهشی به تفکیک مؤلفه‌ها بیان می‌شود. در رابطه با مؤلفه اول، یعنی آراستگی ظاهری متناسب با شأن علم و دانش، از پنج گویه شماره 1 تا 5 استفاده شد که به ترتیب، توجه به پوشش مرتب و متناسب با شأن استادی، التزام عملی به ارزش‌های دینی، پرهیز از شوخی‌های زننده و رفتار غیر متناسب، رعایت گفتار و کلام متناسب با شأن استادی و رعایت هنجارهای کلاسی بود. آزمون t تک گروهی نشان داد که تفاوت معناداری بین گویه‌های آن وجود دارد. همچنین این مؤلفه با نمره میانگین (3/79) بالاتر از میانگین نظری (3) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که از دیدگاه دانشجویان، میزان پایبندی اعضای هیأت علمی به مؤلفه آراستگی متناسب با شأن علم و دانش، بیشتر از حد متوسط است.

در رابطه با مؤلفه دوم، یعنی رعایت عدالت در مورد دانشجویان از پنج گویه شماره 6 تا 10 استفاده شد که به ترتیب، نگاه و توجه به دانشجویان بر حسب سؤال و علاقه‌مندی، عدم تبعیض جنسیتی در برخورد با دانشجویان، عدم تبعیض قومیتی در بین دانشجویان، عدم تبعیض مذهبی در بین دانشجویان و رعایت اصل مساوات در مشاوره، آموزش و نمره دادن بود. آزمون t تک گروهی نشان داد که تفاوت معنادای بین گویه‌ها وجود دارد. همچنین این مؤلفه با نمره میانگین (3/69) بالاتر از میانگین نظری (3) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که از دیدگاه دانشجویان، میزان پایبندی اعضای هیئت علمی به مؤلفه رعایت عدالت در مورد دانشجویان بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

در رابطه با مؤلفه سوم، یعنی احترام و تکریم دانشجویان از پنج گویه شماره 11 تا 15 استفاده شد که به ترتیب، برخورداری از روابط انسانی خوب و متناسب، توأم بودن رفتار همراه با سعه صدر، توجه و استقبال از نظرات دانشجویان، حسن خلق و گشاده‌رویی و پرهیز از توبیخ و سرزنش بود. آزمون t تک گروهی نشان داد که تفاوت معنادای بین گویه‌ها وجود دارد. همچنین این مؤلفه با نمره میانگین (3/63) بالاتر از میانگین نظری (3) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که از دیدگاه دانشجویان، میزان پایبندی اعضای هیئت علمی به مؤلفه‌ی احترام و تکریم دانشجویان بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

در رابطه با مؤلفه چهارم، یعنی تسلط علمی بر موضوع و محتوا، از پنج گویه شماره 16 تا 20 استفاده شد که به ترتیب، شواهد پژوهشی برای تبیین نظرات، تدریس بدون غرض‌ورزی و جهت‌گیری شخصی، منطبق بودن محتوای انتخاب شده با نیازهای دانشجویان، منطبق بودن محتوای ارائه شده با سر فصل دروس، اهتمام استاد در ارائه دانش روز بود. آزمون t تک گروهی نشان داد که تفاوت معنادای بین گویه‌ها وجود دارد. همچنین این مؤلفه با نمره میانگین (3/45) بالاتر ازمیانگین نظری (3) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که از دیدگاه دانشجویان، میزان پایبندی اعضای هیئت علمی به مؤلفه ی تسلط علمی بر موضوع و محتوا بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

در رابطه با مؤلفه پنجم، یعنی تسلط بر روش تدریس از شش گویه شماره 21 تا 26 استفاده شد که به ترتیب، استفاده از روش‌های متنوع در تدریس، ارائه محتوای درسی درقالب طرح درس مدون و از پیش تنظیم شده، ایجاد رابطه افقی و عمودی بین مباحث درسی (پیوستگی مطالب)، ایجاد روحیه پرسشگری و تفکر نقاد در دانشجویان، استفاده از وسایل کمک آموزشی، تکرار مطالب درسی برای تفهیم بهتر درس بود. آزمون t تک گروهی

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.8.7]

نشان داد که تفاوت معنادای بین گویه‌ها وجود دارد. همچنین این مؤلفه با نمره میانگین (3/11) بالاتر از میانگین نظری (3) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که از دیدگاه دانشجویان، میزان پایبندی اعضای هیئت علمی به این مؤلفه بیشتر از حد متوسط می‌باشد.

در رابطه با مؤلفه پنجم، یعنی ارزشیابی تدریس از شش گویه شماره 27 تا 32 استفاده شد که به ترتیب، بهره‌گیری از ارزشیابی تکوینی منظم، ارزشیابی هماهنگ با اهدف آموزشی، تعیین روش و نوع ارزشیابی از قبل (انتظارات شفاف)، ارزشیابی هماهنگ با محتوای ارائه شده، تعیین وقت برای بررسی برگه‌ها و اعتراضات احتمالی، تعیین میزان تأثیر هر بارم در ارزشیابی پایانی می‌باشد آزمون t تک گروهی نشان داد که تفاوت معنادای بین گویه‌ها وجود دارد. همچنین این مؤلفه با نمره میانگین (3/15) بالاتر از میانگین نظری (3) می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت که از دیدگاه دانشجویان، میزان پایبندی اعضای هیئت علمی به مفهوم ارزشیابی تدریس بیشتر از حد متوسط می‌باشد. در همین مؤلفه، مقدار t گویه تعیین وقت برای بررسی برگه‌ها و اعتراضات احتمالی (1/73-) نشان داد که تفاوت آماری معناداری بین میانگین این گویه (2/89) و میانگین نظری (3) وجود ندارد. در نتیجه می‌توان گفت که از دیدگاه دانشجویان، میزان پای‌بندی اعضای هیأت علمی به تعیین وقت برای بررسی برگه‌ها و اعتراضات احتمالی در حد متوسط می‌باشد.

در نهایت، با توجه به میانگین کل (3/47) که بالاتر از میانگین نظری می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که به طور کلی میزان پایبندی اعضای هیئت علمی به اخلاق حرفه‌ای تدریس از دید دانشجویان بیشتر از متوسط می‌باشد ولی هنوز تا سطح مطلوب فاصله وجود دارد. جداول 2 و 3 به مجموع این نتایج اشاره دارند.

جدول 2:نتایج آزمون‌های آماری توصیفی و استنباطی دیدگاه دانشجویان درباره میزان پای‌بندی اعضای هیئت علمی نسبت به مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای

مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای	شاخص‌های توصیفی			آزمون t تک نمونه‌ای		
	N	M	SD	T	df	sig
آراستگی ظاهری متناسب با شأن علم و دانش	380	3/79	0/708	21/8	379	0/000
رعایت عدالت در مورد دانشجویان	380	3/69	0/864	15/6	379	0/000
احترام و تکریم دانشجویان	380	3/63	0/796	15/5	379	0/000
تسلط علمی بر موضوع و محتوا	380	3/45	0/827	10/6	379	0/000
تسلط بر روش تدریس	380	3/11	0/830	2/00	379	0/000
ارزشیابی تدریس	380	3/15	0/840	3/55	379	0/000

جدول 3: الویت‌بندی مؤلفه‌ها بر اساس آزمون فریدمن

مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای	آزمون رتبه‌بندی فریدمن		
	میانگین رتبه	رتبه‌بندی	آماره خی دو سطح معناداری
آراستگی ظاهری متناسب با شأن علم و دانش	4/49	1	
رعایت عدالت در مورد دانشجویان	4/13	2	
احترام و تکریم دانشجویان	4/03	3	408/056
ارزشیابی تدریس	3/52	4	
تسلط علمی بر موضوع و محتوا	3/38	5	000/5
تسلط بر روش تدریس	2/45	6	

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.8.7]

سؤال دوم: آیا میزان رعایت اخلاق حرفه‌ای تدریس و مؤلفه‌های آن در بین اساتید دانشکده‌های فنی مهندسی، علوم پایه و علوم انسانی دانشگاه شهید بهشتی متفاوت است؟

برای تحلیل سؤال دوم، آزمون تحلیل واریانس در رابطه با دیدگاه دانشجویان نسبت به ارزیابی اخلاق حرفه‌ای بر حسب دانشکده‌ها نشان از معناداری تأثیر دانشکده‌ها در مؤلفه‌های آراستگی ظاهری متناسب با شأن علم و دانش، رعایت عدالت در مورد دانشجویان، احترام و تکریم دانشجویان و تسلط علمی بر موضوع و محتوا و همچنین نمره کل اخلاق حرفه‌ای دارد، اما در مؤلفه‌های تسلط بر روش تدریس و ارزشیابی تدریس معناداری وجود نداشت. یعنی بین دیدگاه دانشجویان نسبت به میزا پای‌بندی اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی در چهار مؤلفه نخست و نمره کل اخلاق حرفه‌ای بر حسب دانشکده‌های آنها تفاوت معناداری وجود دارد ولی در دو مؤلفه آخر تفاوت معناداری وجود ندارد. انجام آزمون تعقیبی شفه در رابطه با وجود تفاوت معنادار بین دیدگاه دانشجویان نسبت به مؤلفه‌های آراستگی ظاهری متناسب با شأن علم و دانش، رعایت عدالت در مورد دانشجویان و تسلط علمی بر موضوع و محتوا و همچنین نمره کل اخلاق حرفه‌ای بر حسب دانشکده‌های آنها نشان داد که تفاوت مشاهده شده بین دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و دانشجویان دانشکده‌های علوم پایه می‌باشد، به طوری که دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی در مقایسه با دانشجویان دانشکده‌های علوم پایه، میزان پای‌بندی اعضای هیأت علمی را به اخلاق حرفه‌ای تدریس را بیشتر ارزیابی می‌نمایند. در خصوص احترام و تکریم دانشجویان نیز نتایج آزمون شفه نشان داد که تفاوت مشاهده شده بین دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی و دانشجویان دانشکده‌های علوم پایه و علوم فنی و مهندسی می‌باشد، به طوری که دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی در مقایسه با دانشجویان دانشکده‌های علوم پایه و علوم فنی و مهندسی، میزان پای‌بندی اعضای هیأت علمی به اخلاق حرفه‌ای تدریس را بیشتر ارزیابی می‌نمایند. نتیجه کلی حاکی از تفاوت معنادار بین دانشکده‌های علوم انسانی و علوم پایه است (جدول 4).

جدول 4: نتایج آزمون تعقیبی شفه در رابطه با دیدگاه دانشجویان به تفکیک دانشکده‌ها

متغیر وابسته	دانشکده‌ها	تفاوت میانگین	انحراف معیار	سطح معناداری
آراستگی ظاهری متناسب با شأن علم و دانش	علوم انسانی علوم پایه	/276*	/092	/015
رعایت عدالت در مورد دانشجویان	علوم انسانی علوم پایه	/354*	/111	/007
احترام و تکریم دانشجویان	علوم انسانی علوم پایه	/351*	/102	/003
	علوم انسانی، فنی و مهندسی	/270*	/095	/018
تسلط علمی بر موضوع و محتوا	علوم انسانی علوم پایه	/279*	/107	/034
اخلاق حرفه‌ای	علوم انسانی علوم پایه	/281*	/086	/005

* معناداری در سطح 05/. α =

بحث

با نگاه کلی به نتایج یافته‌ها به نظر می‌رسد که در تمام موارد میزان پای‌بندی اعضای هیئت علمی به اخلاق حرفه‌ای تدریس بیشتر از حد متوسط ارزیابی می‌شود. این نتیجه با پژوهش‌های دیگری که اذعان داشتند استانداردهای اخلاقی حرفه‌ای استادان در دانشگاه‌ها رعایت می‌شود، همسو است(17 و 18). مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای به ترتیب الویت با اشاره به نمره میانگین عبارت‌اند از مؤلفه‌های آراستگی متناسب با شأن علم و دانش(3/79)، رعایت عدالت در مورد دانشجویان(3/69)، احترام و تکریم دانشجویان(3/63)، تسلط علمی بر موضوع و محتوا(3/45)، ارزشیابی تدریس(3/15) و تسلط بر روش تدریس(3/11). البته تفاوت بین این موارد به لحاظ آماری معنادار

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.8.7]

نبود. نتایج پژوهش حاضر با پژوهشی که با هدف بررسی مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس اساتید انجام شده همسو بود(19). همچنین، در این پژوهش دیدگاه دانشجویان به تفکیک دانشکده‌ها (علوم انسانی، علوم پایه، و فنی مهندسی) سنجیده شد. اثر دانشکده‌ها در مؤلفه‌های آراستگی ظاهری متناسب با شأن علم و دانش، رعایت عدالت در مورد دانشجویان، احترام و تکریم دانشجویان و تسلط علمی بر موضوع و محتوا و همچنین نمره کل اخلاق حرفه‌ای معنادار بود، اما در مؤلفه‌های تسلط بر روش تدریس و ارزشیابی تدریس نتایج معنی‌داری به دست نیامد. این یافته با برخی پژوهش‌ها که تفاوت معناداری میان دانشکده‌ها نیافته بودند، مخالف است. از نظر این پژوهشگران، عدم تفاوت معنادار ناشی از وجود قوانین و مقررات متمرکز بوده است(12). اما به نظر می‌رسد توجه بیشتر به‌ویژگی‌های دانشجویان در برگزاری کلاس‌ها و توانایی برقراری ارتباط مؤثر با آنها در دانشکده‌های علوم انسانی، باعث ایجاد تفاوت معنادار بین دانشکده‌ها شده است. شاید بر همین اساس، دانشجویان دانشکده‌های علوم انسانی میزان پای‌بندی به اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی را بیشتر ارزیابی کرده‌اند. در مجموع، همانگونه که دیگران نیز اذعان داشته‌اند، درصورتی‌که استخدام و ارتقاء اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها علاوه بر ملاک‌های علمی، منشور اخلاق حرفه‌ای را نیز در برگیرد، منجر به تقویت و بهبود اخلاق حرفه‌ای در دانشگاه‌ها خواهد شد(20).

بررسی میزان پای‌بندی به اخلاق حرفه‌ای تدریس در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌های مختلف کشور و بررسی میزان رعایت اخلاق حرفه‌ای تدریس و مؤلفه‌های آن در بین اساتید دانشکده‌های مختلف دانشگاه‌ها و تبیین علل مؤثر بر تفاوت‌های احتمالی آن از جمله پیشنهاداتی برای پژوهش‌های آتی است. البته محدود بودن این مطالعات در سطح یک دانشگاه نمی‌تواند منجر به طرح و برنامه‌ای کلان برای نظام آموزش عالی کشور شود. همچنین، ضعف آزادی‌های آکادمیک در سطح دانشجویی و اقناع نشدن آنها نسبت به رعایت اخلاق پژوهش توسط پژوهشگران این نوع پژوهش‌ها، می‌تواند منجر به پاسخ‌های محتاطانه دانشجویان و نتایج نادرست شود.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان دهنده پای‌بندی اعضای هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی به اخلاق حرفه‌ای تدریس از دیدگاه دانشجویان این دانشگاه بود. هرچند دیدگاه دانشجویان دانشکده‌های مختلف در برخی مؤلفه‌ها تفاوت داشت و توجه بیشتر به‌ویژگی‌های انسانی دانشجویان در کلاس‌های درس را گوشزد می‌کند. تعیین میزان پای‌بندی تمام اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های کشور نیازمند پژوهش‌های دیگر است، اما انتظار و توقع جامعه از این قشر فرهیخته بسیار بیشتر از حدّ متوسط است و این امر نیازمند برنامه‌ریزی و توجه بیشتر به اخلاق حرفه‌ای تدریس است. در این راستا می‌توان برای ارتقاء سطح اخلاق حرفه‌ای اعضای هیئت علمی، منشور اخلاق حرفه‌ای تدوین نمود و آن را ملاک عمل قرار داد. برگزاری دوره‌های مربوط به آشنایی اعضای هیئت علمی با اصول اخلاق حرفه‌ای نیز می‌تواند مفید واقع شود.

ملاحظه‌های اخلاقی

در مقالهٔ حاضر، با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاقی امانتداری علمی رعایت و حق معنوی مؤلفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه‌نامه

اخلاق حرفه‌ای	1. Professional Ethics
اصول اخلاقی	2. Ethical Principles
هنجارهای اجتماعی	3. Social Norms
شایستگی‌های حرفه‌ای	4. Professional Competencies
اخلاق تدریس	5. Teaching Ethics
فعالیت‌های آکادمیک	6. Academic Practice
فلسفه تدریس	7. Teaching Philosophy
جوّ اخلاقی	8. Ethical Climate
آراستگی	9. Professional Appearance

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.8.7]

10. Fairness	عدالت
11. Respect	احترام
12. Reverence	تکریم
13. Scientific Expertise	تسلط علمی
14. Teaching Method	روش تدریس
15. Teaching Assessment	ارزشیابی تدریس

References:

1. Alston WM, Welker M. (2007). Reformed theology: Identity and ecumenicity II: biblical interpretation in the reformed tradition. Grand Rapids, MI: William B. Eerdmans Pub.
2. Worthington RP. (2015). Ethics and professionalism in a changing world. Investigación en Educación Médica; 4(15): 175-178.
3. Narvaez D, Mrkva K. (2014). Creative moral imagination. In: Moran S, Cropley DH, Kaufman JC. (Eds.). The Ethics of creativity. New York, NY: Palgrave MacMillan. Pp.25-45.
4. Arasteh H, Jahed H. (2011). Observing ethics in universities and higher education centers: An alternative for improving behaviors. Science Cultivation; 1(2): 31-40. (In Persian).
5. Gharamaleki AF. (2006). Ethical organizations in business. Tehran: Globalization Studies National Center Publication. (In Persian).
6. Farasatkhah M. (2008). Upcoming think about the quality of higher education in Iran; Model emerged from the grounded theory (GT). Journal of Research and Planning in Higher Education; (50): 67-95. (In Persian).
7. Carr D. (2000). Professionalism and ethics in teaching. London: Routledge.
8. Higgins C. (2011). The good life of teaching: An ethics of professional practice. Oxford: Wiley-Blackwell.
9. Nixon J. (2012). The ethics of academic practice: grasping what ethics is. In: Su F, McGettrick B. (ed.). Professional ethics: Education for a humane society. Newcastle: Cambridge Scholars Press.
10. Corey G, Corey M, Corey C, Callanan P. (2014). Issues and ethics in the helping professions with 2014 ACA codes. US: Cengage Learning.
11. Farasatkhah M. (2009). University and higher education; Tehran: Ney Publication. (In Persian).
12. Babasafari M, Marsoughi R. (2013). Evaluation of professional ethics for professors of the university of Shiraz in the view of Master's Degree students and developmental correlates in curricular planning. Curricular Research; 3(1): 67-86. (In Persian).
13. Yamani SM. (2012). Quality in higher education. Tehran: Samt Publication. (In Persian).
14. Shahid-Sani. (2001). Monyat al-Morid Fi Adab al-Mofid val-Mostafid. Translated by: Hojjati M. Tehran: Nashr Farhang Eslami. (In Persian).
15. Khosravi Z, Bagheri K. (2008). Guidance for internalization of values through curriculum. Journal of Curriculum Studies; 2(8): 81-105. (In Persian).
16. Murray H. (1996). Ethical principles for college and university teaching, AAHE Bulletin; 49(4): 3-6.
17. Ghanbari S, Ardalan MR, Beheshtirad R, Soltanzadeh V. (2014). University staff members' ethics and relationship with quality in high education. Ethics in Science and Technology; 10(2). (In Persian).
18. Salajegheh A, Safari S. (2014). Relationship between professional ethics and function of professors. Ethics in Science and Technology; 10(3). (In Persian).
19. Sobhani Nejad M, Zamani Manesh H. (2012). Identifying dimensions of effective teacher and validating its components by high school teachers Yasooj. Research in Curriculum Planning; 9(2): 61-81.
20. Nourian M, Atashak M, Salem S, Jamshidzadeh M. (2015). The impact of demographic variables on the possibility of observing professional ethics of trainers. Ethics in Science and Technology; 11(1): 85-94. (In Persian).

[Downloaded from www.ethicsjournal.ir on 2026-11-18]

[DOR: 20.1001.1.22517634.1396.12.3.8.7]